

نگاهی به فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی - فارسی)

بهروز صفرزاده

فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی - فارسی)، علی محمد حق شناس، حسین سامعی، نرگس انتخابی، تهران، فرهنگ معاصر (در یک جلد)، ۱۳۸۱، ۱۹۹۵ + ۴۳ صفحه

نگارنده فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی - فارسی) را روشمندترین و خوش‌تألیف‌ترین فرهنگ انگلیسی - فارسی می‌داند، زیرا آمیزه متناسبی از روش علمی و ذوق و سلیقه است. نگارنده در طول پانزده سالی که از چاپ یک‌جلدی این فرهنگ ارزشمند استفاده می‌کرده، نکاتی را در حاشیه صفحات یادداشت کرده که اکنون آن‌ها را منتشر می‌سازد. بی‌گمان چند ایراد جزئی هیچ‌خدشه‌ای به ارزش کلی این اثر گران‌سنگ وارد نمی‌سازد و ذکر آن‌ها فقط به قصد بهبود و ارتقای فرهنگ است. با توجه به اینکه سالیانی از چاپ این اثر گذشته و کم‌کم غبار کهنگی بر روی آن نشست، از ناشر محترم انتظار می‌رود ویراست جدیدی از آن را عرضه کند.

یک ایراد کلی که نگارنده به این فرهنگ دارد، شیوه فارسی‌نویسی آن است. متأسفانه در نوشتن جمله‌ها و اصطلاحات گفتاری یا عامیانه فارسی نایک‌دستی به چشم می‌خورد؛ گاه آن‌ها را به همان صورتی که تلفظ می‌شوند آورده‌اند و گاه با تلفظ و املا رسمی و گاه آمیزه‌ای از هر دو. بهتر است این‌گونه جمله‌ها و اصطلاحات همواره به همان صورتی که تلفظ می‌شوند نوشته شوند. اینک چند مثال:

Let it all hang out	(محاوره) هرچی		
	می‌خوای بگو. هرچی تو دلت هست بریز بیرون.		
Enough is enough!	(محاوره) بسه دیگر!		
	دیگر حرفش را نزن!		
	که بهتر است چنین نوشته شود: بسه دیگه! دیگه حرفشو نزن!		
Enough of this!	بس است دیگه!		
	که بهتر است چنین نوشته شود: بسه دیگه!		
It's (getting) beyond a joke	(محاوره)		
	دارد جدی می‌شود. دارد از حد می‌گذرد.		
	که بهتر است چنین نوشته شود: داره جدی می‌شه. داره از حد می‌گذره.		
You jolly well will go!	(محاوره) خیال		
	می‌کنی می‌ری! مگر خوابش را ببینی که بری!		
	که بهتر است جمله دوم چنین نوشته شود: مگه خوابشو ببینی که بری!		
	نکته دیگر وجود املاهای نادرستی چون توفان (به‌جای طوفان)، علاقمند (به‌جای علاقه‌مند) و گمشو (به‌جای گم شو) است.		
	در ادامه، پیشنهادهایی برای اصلاح برخی کاستی‌ها ذکر می‌شود:		
accessory	لوازم فرعی	in a bun	گوجه
	● لوازم جانبی		● گوجه، شنبیون
actinism	تشعشعات	cartel	
	● تشعشعات		● کل سطر «۲». (فلسفه) پیرو فلسفه دکارت
admonition	تخذیر		به سه سطر پایین‌تر منتقل شود.
	● تحذیر	cheer-leader	دم‌بگیر، معرکه‌بگیر
ambidextrous	ذوالیمنین		● فکر می‌کنم معادل «تشویق‌گر» مناسب‌تر باشد.
	● ذوالیمنین، دودست‌کار	china	
astrigent			● مدخل China با توضیح «چین (کشور)» افزوده شود.
barker	جارزن، مشتری‌جمع‌کن		افزوده شود.
	● معادل «دادزن» افزوده شود.	chine	
bragging			● مدخل Chinese با توضیح «(مربوط به) چین، چینی ...» افزوده شود.
	● «قبطان»، حذف شود.	claw	
bun			

claw one's way...	رَد شدن	fun	عیش کسی را منقّص کردن
crannied	• رد شدن	spoil sb's fun	• عیش کسی را منغص کردن
credit¹	• «پر از شکاف» به سطر بالا منتقل شود.	get-together	گردهم آیی
credit titles	عناوین، اسامی	ghastly	• گردهم آیی، دورهمی
deal²	• عنوان‌بندی، تیتراژ	ghost-writer	وحشناک
<i>That's saying a good deal.</i>			• وحشتناک
	این حرف کسی نیست.	highlighter	نویسنده (پشت پرده)، نویسنده اصلی
diuretic	• این حرف کمی نیست.		• نویسنده (پشت پرده)، نویسنده اصلی، سایه‌نویس
	مُدِر	hooliganism	ماژیک شبرنگ
double entendre	• مُدِر، ادرار آور		• ماژیک شبرنگ، مارکر
	ایهام، سخن دوپهلو	identical twins	لات‌بازی
duty-bound	• ایهام، ایهام سکسی، سخن دوپهلو		• لات‌بازی، اوباشگری
	موظف	incidence	دوقلوهای همانند
DV	• موظف		• دوقلوهای همسان
	انشاءالله	incense¹	زاویه
eau-de-Cologne	• انشاءالله		• زاویه
	اودکلن	incidental	کُندر؛ عود
fancy¹	• ادکلن		• کُندر؛ عود
	علاقه‌مند	increasing	پیش‌بینی نشده
flute¹	• علاقه‌مند		• پیش‌بینی نشده، غیرمنتظره، غیرمترقبه
	(معماری) فلوت؛ نی	inertia	فزاینده، رو به افزایش
footage	• (موسیقی) فلوت؛ نی		• فزاینده، روزافزون، رو به افزایش
	قطعه، صحنه، بریده	itch	لُختی
for¹	• قطعه، صحنه، بریده، تکه‌فیلم		• لُختی
		<i>My hand is itching (to slap him).</i>	
for¹	<i>I for one cannot believe it.</i>		خیلی دلم می‌خواهد بزنم تو گوشش.
	من یک نفر نمی‌توانم باورش کنم.	jacket	• شیطونه می‌گه بزنم تو گوشش.
for¹	• من یکی که باورم نمی‌شه.		۱. کُت
		larder	• ۱. کُت؛ کاپشن
word for word	تحت‌اللفظی		دولا بچه
	• تحت‌اللفظی		• دولا بچه

margin		sarcophagus	تابوتِ سنگی (منقوش)؛ ● تابوتِ سنگی (منقوش)؛ ناووس
a safety margin	حوزه اطمینان ● حوزه اطمینان، حاشیه امنیت	screen	۱۶. نشان دادن، پخش کردن ● ۱۶. نشان دادن، پخش کردن، اکران کردن
mental		sharecropper	مزارعه‌کار ● مزارعه‌کار
mental illness	بیماری روانی، تیمارستان ● بیماریِ روانی	spool	قره‌قره ● قرقره
merlin	تُرمتای ● تُرمتای	suspended animation	کوما ● کُما
mermaid	پری دریایی ● پری دریایی، دریاپری، دریادخت	swatch	نمونه، مسطوره ● نمونه، مسطوره، کالیته
mess hall	ناهارخوری ● ناهارخوری	syncope	میان‌کاهی ● میان‌کاهی
mulch	پوشال، کاه، برگ ● پوشال، کاه، برگ، خاک‌پوش، مالچ	tasseled	منگوله‌دار ● منگوله‌دار
outhouse	بهتر از... جنبی، ● ساختمان جنبی،	teetotalism	پرهیز از مشروب ● پرهیز از مشروب، باده‌پرهیزی
precipitate²	مستأجل ● مستعجل	think-tank	گروه متفکران ● گروه متفکران، اندیشه‌گروه، اندیشکده
proceedings	گزارش منتشرشده ● گزارش منتشرشده؛ مجموعه مقالات	traffic warden	مأمور پارکومتر ● مأمور پارکومتر، پارکبان
range¹	گسترده ● گستره	ward	مؤلی‌علیه ● مؤلی‌علیه
refugee		window-shopping	تماشای ویتترین مغازه‌ها ● تماشای ویتترین مغازه‌ها، ویتترین‌بینی
a refugee camp	اردوی پناهندگان ● اردوگاه پناهندگان	word	العاقل یکفیه بالاشاره. ● العاقل یکفیه بالاشاره.
remotely			
<i>The essay isn't...</i>			
	این مقاله کمترین / کوچک‌ترین رابطه‌ای با موضوع ندارد. ● این مقاله کمترین / کوچک‌ترین ربطی به موضوع ندارد.		
residence			
<i>The royal standard...</i>	اهتزاز ● اهتزاز		